



پیامبر(ص) در جامعه جاهلی معجزه اجتماعی ایجاد کرد/ نقش وحی در ایجاد تمدن اسلامی

پیامبر(ص) در جامعه جاهلی یک معجزه اجتماعی ایجاد کرد، به طوری که انگار اصلا آن همه جاهلیت وجود نداشت. مسلما یک شخص بدون اتصال به وحی نمی تواند چنین اثری الهی روی منطقه ای وحشی و بی فرهنگ ایجاد کند و آنرا متمدن ترین جامعه تاریخ گرداند.

پیامبر(ص) در جامعه جاهلی یک معجزه اجتماعی ایجاد کرد، به طوری که انگار اصلا آن همه جاهلیت وجود نداشت. مسلما یک شخص بدون اتصال به وحی نمی تواند چنین اثری الهی روی منطقه ای وحشی و بی فرهنگ ایجاد کند و آنرا متمدن ترین جامعه تاریخ گرداند.

خداوند محمد(ص) را مبعوث ساخت، در حالی که هیچ کس از عرب کتاب آسمانی نداشت و ادعای نبوت و وحی نمی نمود. او با یارانش به مبارزه با مخالفان پرداخت تا آنان را به سر منزل نجات سوق دهد و پیش از آنکه مرگشان فرا رسد. در آمادگی آنان مبادرت ورزد، به برکت وجود او ناتوانان و خستگان توان می یابند و شکسته حالان بر سرپا می ایستند تا آنان را به منزل مقصود برساند، جز گمراهان غیر قابل هدایت (و این کار را همچنان ادامه داد) تا وسیله نجاتشان را به آنها نشان داد و در محل مناسبشان جایگزین ساخت، آسیای زندگی آنها به گردش درآمد و نیزه آنها صاف شد(هم وضع دینی و اقتصادی آنها روبراه شد و هم نیروی نظامی آنها قوی). به خدا سوگند من دنبال این لشکر بودم و آنها را به پیشروی وامی داشتم تا باطل به کلی عقب نشینی کرد و همه تحت رهبری اسلام درآمدند، در این راه هرگز ناتوان نشدم و ترسم را احاطه نکرد و خیانت ننمودم و سستی در من راه نیافت. به خدا سوگند (هم اکنون نیز در این راه می روم) و شکم باطل را می شکافم تا حق را از درون آن خارج سازم. شریف رضی می گوید: جملات برگزیده این خطبه را پیشتر (در خطبه 33) نیز آوردیم جز اینکه من آنرا در این روایت با کمی اختلاف یافتم لذا آنرا بار دیگر در اینجا آوردم. اگر کسی بگوید: چگونه امام(ع) می فرماید: در عرب پیامبری وجود نداشت با اینکه هود، صالح و شعیب عرب بودند؟ پاسخ آن این است که این پیامبران در زمانهای بسیار قدیم بودند و منظور امام این است که در عصر جاهلیت و قبل از پیامبر(ص) پیامبری در عرب وجود نداشت. (شرح ابن ابی الحدید، جلد 7، صفحه 114)

جامعه عرب قبل از بعثت

عربستان یا جزیره العرب، شبه جزیره ای است بزرگ، در جنوب غربی آسیا. شکل آن به تقریب چهار گوشه است و بیش از سه میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد، این شبه جزیره، از شرق به خلیج فارس و دریای عمان محدود است، و از غرب به دریای سرخ (بحر احمر)، و از شمال به کشورهای عراق و فلسطین و اردن هاشمی، و از جنوب به دریای عمان. کالاهای هندوستان و چین را، از راه عربستان با کشتی به مصر و غرب می بردند. در اروپا قدیم کالاهای هند (سنگهای قیمتی، انواع عطر، حیوانات کمیاب) را چون از راه عربستان می آوردند، از خود عربستان می دانستند. نواحی جنوبی عربستان نیز کالاهایی داشت، مانند صمغ های معطر، در اروپا برای سوزاندن در معابد مصرف بسیار داشت.

در روزگار بعثت تنها یک ششم مردم عربستان شهر نشین بودند و دیگران چادر نشین و بیابانگرد. کار گروهی از آنان کشتار بود و غارت و همدشان شترو شمشیر. یکی از شاعران جاهلیت می گوید: کار ما غارتگری است و هجوم به همسایه و گاه اگر جز برادر خود کسی نیابیم او را غارت می کنیم. اعراب بدوی، به استقلال فردی و خودسرانه زندگی کردن علاقه بسیار داشتند. از این رو زندگی پرمشقت بادیه را بر هر چیز دیگر ترجیح می دادند. شجاع و مهمان نواز بودند، اما بی پروا در غارت و چپاول. عده ای از اعراب شهر نشین، به بازرگانی سرگرم بودند و عده ای به پرورش احشام و کسب و درآمد صحرایی. اعراب بیابانگرد بیشتر به غارت و دزدی روزگار می گذرانیدند.

هر قبیله واحدی مستقل بود و قبیله های دیگر را بیگانه می شمرد. آدمکشی در میان آنان - چه شهر و چه بدوی - امری عادی و فراوان بود. دین این قبایل بت پرستی بود. بتهایی به شکل انسان، حیوان و درخت (لات، عزی، هبل، بعل و...) می ساختند و می پرستیدند. گاه غاز چاه آب را نیز پرستش می کردند. نه فقط بی هیچ قید و شرطی، زنان بسیار می گرفتند، بلکه زنان در آنان به صورت کالا خرید و فروش می شد. دختر را ننگ می دانستند و زنده به گور می کردند.

شعر و شاعری در میان عرب رواج بسیار داشت، و شاعران بسیاری داشتند. لیکن شعرشان از مفاهیم با ارزش چندان برخوردار نبود مگر شمار اندکی از شاعران که دارای اندیشه و تفکر بلند بودند. بخش عمده ای از اشعار عرب درباره تهنیت به جنگ بود یا افتخار به کشتارها و غارتها. منابع درآمد و اقتصاد این قبایل به جز درآمدهای صحرایی، روابط بازرگانی محدودی بود که با برخی از کشورهای همسایه داشتند، و گاه از طریق یمن با خاور دور. در این میان خانه کعبه، مهمترین وسیله امرار معاش گروهی از قبیله قریش بود. این خانه مورد احترام همه قبایل بود، هم به علت سابقه آن و هم اینکه در آن 300 یا 360 بت جای داشت - هر بتی از آن قبیله ای و گروهی.

قتل و غارت ضعیفان، ربودن زنان و دختران، زنده به گور کردن دختران، اعتقاد به خون در برابر خون، خوردن گوشت مردار، بت پرستی، رباخواری، رشوه، بدرفتاری به همسایه، عدم رضایت پدر و مادر، جهل و نادانی و انحطاط علمی، اسراف، عیبجویی و عیبگیری، جنگ و خونریزی که از افتخارات عرب جاهلی بود، اختلاف نژادی و طبقاتی، بردگی، داشتن عقائد خرافی، عدم داشتن یک قانون و نظام اجتماعی واحد و عدم هماهنگی میان افراد جامعه، پیروی از عادات نیاکان، ازدواج با همسر پدران و ...

بخشی از آداب و رسوم دوره جاهلیت بود.

جامعه عرب بعد از بعثت

بعد از بعثت و در طی بیست و سه سال نبوت وضعیت مردم خلاصه وار به شرح زیر شد: سبقت در شهادت، اشک و افسوس از عدم توفیق شهادت در بعضی از جنگها، سبقت در جهت خدمت در راه خدا، پیشرفتهای معنوی و عرفانی و برای عده ای مستعد پیدا کردن بصیرتهای برزخی، توجه و اهتمام به حفظ و عمل کردن به آیاتی که نازل می شد، بطوری که تا 10 آیه را حفظ و عمل نمی کردند به 10 آیه بعد نمی رفتند، دلهای تاریک مردم جاهلی با معارف الهی روشن و از آلودگیها پاک گردید، توحید و یگانه پرستی جایگزین بت و بت پرستی شد، جهل و نادانی جای خود را به علم و دانش آموزی داد بطوری که اروپا پیشرفت تمدن خود را مرهون مسلمانان می داند، رذایل اخلاقی به مسابقه به اخذ اوصاف نیک تبدیل شد. این همه پیشرفتهای معنوی انسانی و علمی، امتیازات و افتخارات که نصیب مسلمانان عصر نزول و بعد از آن شد در اثر تعالیم عالی قرآن بود که بر تمام کتب آسمانی تفوق و برتری دارد و قوانینش بر پایه عقل استوار و پی ریزی گردیده و تعالیمش دارای یک روش خاص، جالب و استثنائی است.

به سخنی که یکی از صحابه (مقداد) به هنگام مشورت پیامبر(ص) با آنها جهت ساماندهی برای جنگ بدر ایراد شد دقت کنید: یا رسول الله! بر آنچه خدا مأمورت نموده است حرکت فرما، ما مسلمانان نیز تا لب مرگ در این راه با تو پیش خواهیم رفت، به خدا سوگند ما سخنی را نمی گوئیم که بنی اسرائیل به موسی گفتند که تو خود برو به پشتیبانی خدایت جنگ را آغاز کن و ما در اینجا به انتظار تو نشسته ایم ما می گوئیم تو به یاری خدایت حرکت کن و با دشمن بجنگ و ما نیز به پشتیبانی و همراهی تو خواهیم بود و با جان و دل با دشمن خواهیم جنگید ، بخدائیکه تو را بحق فرستاده است ، اگر ما را از امواج خروشان و خطرناک دریا عبور داده و به سوی حبشه حرکت دهی در این راه با تو خواهیم بود تا بدانجا که فرود آیی. رسول خدا از مقداد تشکر و بر وی دعای خیر نمود. تاریخ طبری 140/2 چاپ دوم

این قرآن بود که دل تاریک این قوم بت پرست و خونخوار را این چنین روشن ساخت و از آن مردم بی رحم، افرادی بیاراست که در برابر دشمن اسلام سخت خشن ولی در برابر اهل توحید و مسلمانان رؤف و مهربان بودند. قرآن نیز هدف نزول را از یک فرد امی چنین بیان می کند: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (2/جمعه) اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. آیا واقعا مقایسه زمان قبل و زمان بعد از آغاز نزول قرآن، محتوی این ایه را اثبات نکرد؟

نتیجه

باید پذیرفت که پیامبر(ص) در جامعه جاهلی یک معجزه اجتماعی ایجاد کرده، بطوری که انگار اصلاً آن همه جاهلیت وجود نداشت. مسلماً یک شخص بدون اتصال به وحی نمی تواند چنین اثری الهی روی منطقه ای وحشی و بی فرهنگ ایجاد کند و آنرا متمدن ترین جامعه تاریخ گرداند. بنابراین آنچه او به عنوان وحی اعلام کرده نه تنها دستورات و فرامین الهی است، بلکه آهنگ و روح موجود در این جملات حالت جریان و سربانی در روح آدمی می گذارد که چنین نتایجی می دهد، بطوری که عرب با عقیده شرک و بت پرستی را تبدیل به خاندان یاسر و یا بلال نمود که زیر شکنجه های وحشتناک از احد احد گفتن دست بر نمی داشتند یا در جنگها در صورت عدم توفیق یافتن به شهادت اشکها می ریختند. این هنر قرآن است که در منطقه وحشی و بی فرهنگی وارد شود و آنرا متمدن ترین جامعه تاریخ کند که اگر قدرش را می دانستند، اکنون هیچ حکومتی مثل اسلام پیشرفت علمی نداشت.